



دانشگاه بیرجند

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

واقع‌گرایی (رتالیسم)

در داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی

استاد راهنما:

دکتر محمد حسینی

استاد مشاور:

دکتر اکبر شامیان ساروکلائی

نگارش:

محمود نوریان محمدی

شهریور ۱۳۹۱



اگر عمرم را صرف قدردانی از زحمات بی دریغستان کنم،

در برابر مهربانی بی کرانتان،

باز هم مثنی از خروار از خودگذشتگیستان را نمی توانم ادا کنم.

اما تحسینای ناچیز فراهم آورده ام،

که تقدیم می کنم به وجود پر مهرستان

که مدام روشنائی بخش این وجود نامتابل بوده اید.

پدر و مادر عزیز دوستان دارم.

چکیده

این پژوهش، ضمن بحثی اجمالی درباره‌ی نقش مکتب واقع‌گرایی در ادبیات کودک، به نقد و تحلیل درون‌مایه‌های واقع‌گرایانه در داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی اختصاص دارد. مرادی کرمانی درون‌مایه‌های داستان‌هایش را از واقعیات و مسائل روزمره‌ی زندگی برگرفته و آن‌ها را با مهارت نویسندگی‌اش آمیخته است. دوران کودکی، در شکل‌گیری داستان‌های وی نقش به‌سزایی داشته است. در داستان‌های وی نه تنها شخصیت، مکان و زمان، بسیار عینی و ملموس توصیف شده‌اند، بلکه بازتاب مشکلات کودکان نیز از واقعیات‌های بطن جامعه نشأت گرفته است. البته به دلیل تخیل خلاق نویسنده، گاه نمودهایی از رمانتیک در داستان‌های وی به چشم می‌خورد. نگارنده در این تحقیق با استفاده از روش تحلیل محتوا نشان داده است که درون‌مایه‌های استخراج شده در داستان‌های مرادی کرمانی شامل معضلات اقتصادی، نابرابری‌های اجتماعی، مشکلات آموزشی و تربیتی و بی‌کاری است. البته فقر از مهم‌ترین و پرکاربردترین آن‌هاست. مرادی کرمانی در داستان‌های «بچه‌های قالیباف‌خانه»، «چکمه»، «خمره»، «شما که غریبه نیستید» و «مشت بر پوست» توجهی ویژه به دوران کودکی و مشکلات و مسائل آن داشته است. گرچه ساختار این داستان‌ها مبتنی بر واقع‌گرایی اجتماعی است اما نویسنده گاهی واقع‌گرایی انتقادی را نیز با آن درآمیخته است.

واژه‌های کلیدی: واقع‌گرایی (رئالیسم)، ادبیات کودک و نوجوان، هوشنگ مرادی کرمانی،

رمانتیسیم، داستان‌نویسی واقع‌گرایانه، توصیف در داستان.

فهرست

پیش‌گفتار.....	۷
فصل اول: کلیات و تعاریف.....	۱۲
۱-۱. ویژگی‌های مکتب واقع‌گرایی.....	۱۴
۲-۱. انواع واقع‌گرایی.....	۱۵
۳-۱. داستان‌نویسی.....	۲۰
۴-۱. داستان‌نویسی کودک و نوجوان.....	۲۲
۵-۱. شرح اجمالی بر زندگی و آثار هوشنگ مرادی کرمانی.....	۲۴
فصل دوم: واقع‌گرایی (رنالیسم) در ادبیات کودک و نوجوان.....	۳۳
۱-۲. ویژگی‌های ادبیات کودک و نوجوان.....	۳۴
۲-۲. واقع‌گرایی در شعرهای کودک و نوجوان.....	۳۸
۳-۲. واقع‌گرایی در قصه‌ها و داستان‌های کودک و نوجوان.....	۳۹
۴-۲. جایگاه داستان‌های واقع‌گرا در ارتباط با کودک و نوجوان.....	۴۵
۵-۲. واقع‌گرایی (رنالیسم) اجتماعی در داستان‌های کودک و نوجوان.....	۴۸
۶-۲. تفاوت واقع‌گرایی در داستان‌های کودک با داستان‌های نوجوان.....	۵۳
۷-۲. انواع داستان‌های واقع‌گرای کودک و نوجوان.....	۵۹
فصل سوم: واقع‌گرایی (رنالیسم) در داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی.....	۵۸
۱-۳. ویژگی‌های داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی.....	۶۵
۲-۳. واقع‌گرایی به رنگ رمانتیسم.....	۶۹
۱-۲-۳. رمانتیسم مستقیم.....	۷۲
۲-۲-۳. رمانتیسم غیرمستقیم.....	۷۴
۳-۳. واقعیات اجتماعی در پیوند با شخصیت‌های داستان.....	۷۶
۴-۳. درون‌مایه‌های واقع‌گرا در داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی.....	۷۸
۱-۴-۳. فقر.....	۷۹

۸۷.....	۲-۴-۳. یتیمی و تنهایی.....
۹۲.....	۳-۴-۳. مشکلات و معضلات آموزشی - تربیتی و بی‌سوادی.....
۱۰۱.....	۴-۴-۳. گرسنگی و وضعیت نامطلوب خوراک و تغذیه.....
۱۰۵.....	۵-۴-۳. نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی.....
۱۱۱.....	۶-۴-۳. مهاجرت.....
۱۱۵.....	۷-۴-۳. ظلم، تعدی و تجاوز.....
۱۱۸.....	۸-۴-۳. خودکشی.....
۱۱۹.....	۹-۴-۳. مرگ.....
۱۲۰.....	۱۰-۴-۳. اعتیاد.....
۱۲۲.....	۱۱-۴-۳. بی‌کاری.....
۱۲۵.....	۵-۳. واقع‌گرایی از منظر توصیف در داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی.....
۱۲۵.....	۱-۵-۳. توصیف شخصیت.....
۱۳۲.....	۲-۵-۳. توصیف مکان.....
۱۳۵.....	۳-۵-۳. توصیف زمان.....
۱۳۸.....	۶-۳. واقع‌گرایی اجتماعی و انتقادی.....
۱۴۰.....	نتیجه.....
۱۴۲.....	کتاب‌نامه.....

پیشگفتار

واقع‌گرایی (رنالیسم)، یکی از مکاتب ادبی است که توانست بعد از رمانتیسم جایگاه ویژه‌ای را در بین نویسندگان به خود اختصاص دهد. نویسندگان بزرگی در این مکتب چون «بالزاک»، «تولستوی» و «گوستاوفلوبر» در اروپا و مرتضی «مشفق کاظمی»، «بزرگ علوی»، «سیمین دانشور»، «علی محمد افغانی» و «محمود دولت‌آبادی»، در ایران، این مکتب را در آثار خود بازتاب داده‌اند. تحقیق حاضر کوشیده است که ارتباط بین واقع‌گرایی و ادبیات کودک و نوجوان را بررسی کند. برای توفیق در این کار نگارنده تمرکز خود را بر روی نویسنده‌ی برجسته‌ی ادبیات کودک و نوجوان معطوف کرده است. این نویسنده کسی نیست جز هوشنگ مرادی کرمانی که تمام عمر نویسندگی خود را در خدمت کودکان و نوجوانان بوده است و هم اکنون نیز در این حوزه فعالیت دارد. برای شناسایی این مکتب در آثار این نویسنده بیشتر بر روی آثاری از وی تمرکز خواهد شد که در آنها رنگ و بوی واقعیات و مسائل اجتماعی و پرداختن به زندگی عادی بیشتر است؛ داستان‌هایی چون «بچه‌های قالیباخانه»، «چکمه»، «خمره»، «شما که غریبه نیستید» و «مشت بر پوست». پرداختن به داستان‌های چنین نویسنده‌ای، به این دلیل است که وی نگاهی ویژه به مسائل و واقعیات زندگی روزمره دارد و نیز وی توجه ویژه به مشکلات و معضلات کودکان و نوجوانان مبذول داشته است.

پرسش‌های تحقیق

- ۱- مکتب واقع‌گرایی در داستان‌های مرادی کرمانی چگونه بازتاب یافته است؟
- ۲- هوشنگ مرادی کرمانی با توجه به مکتب واقع‌گرایی، از چه مضامینی بیشتر در داستان‌هایش سود جسته است.
- ۳- شخصیت‌ها و طبقات اجتماعی در داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی، از کدام طیف جامعه می‌باشند؟

اهداف تحقیق

- هر تحقیق و پژوهشی کاری را دنبال می‌کند و در صدد نیل به اهداف خود می‌باشد. در این تحقیق نیز اهدافی دنبال می‌شود که عبارت است از:
- ۱- یکی از اهداف این پژوهش اثبات چگونگی به‌کارگیری مکتب واقع‌گرایی در داستان‌های مرادی کرمانی است، واقع‌گرایی اجتماعی با تصاویر عینی و ملموس و توصیفاتی واقع‌گرایانه از شخصیت، زمان و مکان، نمود دارد.
 - ۲- استخراج درون‌مایه‌های مرتبط با کودکان که واقعیات زندگی آن‌ها را در بر دارد و می‌توان آن‌ها را با مکتب واقع‌گرا پیوند داد.
 - ۳- یکی دیگر از اهداف پژوهش این است که نگارنده به معرفی طبقات مختلف اجتماعی بپردازد. این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر شخصیت‌های اصلی داستان‌ها کودکان هستند. این کودکان از طبقه‌ی فرودست جامعه‌اند.

پیشینه‌ی تحقیق

از زمان شکوفایی واقع‌گرایی (رنالیسم)، نویسندگان زیادی در کتاب‌های گوناگون و به شیوه‌های مختلف به بررسی رنالیسم پرداخته‌اند. به طور مثال در خارج از ایران نویسندگانی چون «ماکس رافائل» کتاب تاریخ رنالیسم را نوشته، «دیمیان گرانت» کتاب رنالیسم را نگاشته است. «گئورگ لوکاچ» در کتاب‌های معنای رنالیسم معاصر و پژوهشی در رنالیسم اروپایی تاریخچه‌ای از واقع‌گرایی و معرفی نویسندگان مطرح این مکتب ادبی را اساس کار خود قرار داده است. در ایران نیز «دکتر میترا»، رنالیسم و ضد رنالیسم را نگاشت و «رضا حسینی» در قسمت‌هایی از کتاب

مکتب‌های ادبی خود به مکتب واقع‌گرایی توجه نموده است. اما در این تحقیق چند کتاب مهم و اساسی مطرح است که بیش از همه مورد توجه نگارنده قرار گرفته است که در ضمن معرفی واقع‌گرایی (رنالیسم)، به معرفی آثاری پرداخته است که بازتاب رنالیسم در آنها بیشتر است. این کتاب‌ها کمک بسیاری در تدوین پایان‌نامه و نمونه‌های بسیار خوبی برای معرفی واقع‌گرایی و نقد و تحلیل این مکتب و نیز چگونگی به کارگیری و پیوند این مکتب در داستان‌های مورد نظر می‌باشند. کتاب نگاهی به رنالیسم در آثار علی محمد افغانی و سیمین دانشور نوشته‌ی «مرضیه ناطقی»، واقع‌گرایی را در آثار این دو نویسنده بررسی کرده است. کتاب زمینه‌ی شناخت ادبیات کودکان و نوجوانان نوشته‌ی «محمد رضا یوسفی» که نویسنده به بررسی چگونگی به کارگیری مکتب‌های ادبی در ادبیات کودک و نوجوان پرداخته است، در شناخت چگونگی پیوند ادبیات کودک و نوجوان با مکاتب ادبی کمک فراوان کرده است. «پروین سلاجقه» کتاب صدای خط خوردن مشق (بررسی ساختار و تأویل آثار هوشنگ مرادی کرمانی)، نیز آثار مرادی کرمانی را از دیدگاه ساختاری و تأویلی مورد بررسی قرار داده است.

علاوه بر کتاب‌های معرفی شده دو کتاب هوشو (قصه‌ها، فیلم‌ها)، گردآوری شده توسط «زاون قاکوسیان» و کتاب هوشنگ دوم (گفتگو با هوشنگ مرادی کرمانی)، نوشته‌ی «کریم فیضی»، کتاب‌هایی هستند که در آن‌ها مؤلف، مصاحبه‌های ویژه‌ای با هوشنگ مرادی کرمانی ترتیب داده است، که نظرات شخصی هوشنگ مرادی کرمانی درباره‌ی داستان‌ها بیان شده است. در این کتاب‌ها علاوه بر نگاه گذرا به زندگی و داستان‌های مرادی کرمانی در حین مصاحبه، به خاطرات شخصی نویسنده در طول زندگی و پیوند آن‌ها با داستان‌ها و چگونگی نوشته شدن آن‌ها، اشاره شده است. همچنین نقدهای پراکنده‌ای از داستان‌ها در این دو کتاب آمده است که به بهتر نوشته شدن این پژوهش کمک نموده‌اند.

ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن (مواد و خدمات کتاب‌خانه برای کودکان و نوجوانان) از «ثریا قزل‌ایاغ» و ادبیات کودکان و نوجوانان (ویژگی‌ها و جنبه‌ها) از «بنفشه‌ی حجازی» نیز کتاب‌هایی هستند که نویسنده در آن‌ها به موضوعات مختلف در مورد کودکان و نوجوانان پرداخته، ادبیات کودک و نوجوان را از جنبه‌های مختلف و متنوع مورد بررسی قرار داده است.

در کنار این کتاب‌ها مقالات زیادی نیز درباره‌ی این موضوع به چشم می‌خورد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به رئالیسم در ادبیات کودک و نوجوان نوشته‌ی «پروین سلاجقه»، واقع‌گرایی در ادبیات کودک و نوجوان از «عباس حرّی» و چهره‌ی کودکان روستایی در قصه‌های ایرانی نوشته‌ی «هوشنگ مرادی کرمانی»، اشاره کرد.

کتاب‌ها و مقالات زیاد دیگری درمورد واقع‌گرایی (رئالیسم) نوشته شده است، اما نام بردن از آن‌ها در اینجا ضروری نمی‌نماید. با این وجود تاکنون تحقیقی که داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی را در زمینه واقع‌گرایی (رئالیسم) مورد بررسی قرار داده باشد، صورت نگرفته است و امید است این تحقیق بتواند پاسخگوی سؤالات علاقه‌مندان در این زمینه باشد.

ضرورت تحقیق

بررسی واقع‌گرایی در داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی از دیدگاه‌های گوناگون ضروری و حائز اهمیت است، که به آن اشاره می‌شود؛ با مطالعه‌ی داستان‌های این نویسنده، مخاطب و به ویژه کودکان و نوجوانان با واقعیات تلخ و شیرین زندگی که در این داستان‌ها به آن اشاره شده است، آشنا می‌شوند. خوانندگان زیادی یا این واقعیات را تجربه نکرده‌اند، یا در مکانی زندگی می‌کرده‌اند که از این مسائل دور بوده‌اند و نتوانسته‌اند آن‌ها را درک کنند. با خواندن این آثار احساسات و عواطف خواننده برانگیخته می‌شود. این تحقیق از جهت شناساندن هر چه بهتر درون‌مایه‌های واقعی (رئالیستی) زندگی به مخاطب ضرورت و اهمیت دارد و به خوانندگان کمک می‌کند تا با مطالعه داستان‌ها، زندگی در شرایط مشقت بار روستایی را پیش رو ببینند. همان طور که به آن اشاره شد، داستان‌های مرادی کرمانی حاصل تجربه یک زندگی روستایی است، نویسنده سال‌های نخست زندگی‌اش را در روستا به سر برده است و به طور طبیعی این زندگی، در داستان‌هایش تأثیر زیادی داشته است.

هوشنگ مرادی کرمانی نویسنده‌ی کودک و نوجوان است و داستان‌های وی ارتباط بسیار نزدیکی به مکتب واقع‌گرا (رئالیسم) دارد، کم‌تر نویسنده‌ی کودک و نوجوان داستان‌هایش را به این سبک می‌نگارد، لذا جا دارد که پژوهشی ترتیب داده شود که این داستان‌ها را از این دیدگاه مورد توجه قرار دهد.

ضرورت تحقیق از آنجاست که تاکنون پژوهش و پایان‌نامه‌ای در این مورد نوشته نشده است، این تحقیق می‌تواند در ادامه‌ی این مسیر کمک کند و می‌توان میزان تأثیرگذاری بر کودکان و نوجوانان را از نگاه واقع‌گرایی (رنالیسم) سنجید.

فرضیه‌های تحقیق

۱- واقع‌گرایی به کاررفته در داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی واقع‌گرایی اجتماعی است که در بعضی از داستان‌ها با واقع‌گرایی انتقادی آمیخته شده و واقع‌گرایی اجتماعی - انتقادی را به وجود آورده است. توصیفات و تصاویر عینی و ملموس جامعه و جهان پیرامون در این داستان‌ها بر اجتماعی بودن واقع‌گرایی آن‌ها تأکید دارد.

۲- مسائل تربیتی، فقر اقتصادی، معضلات آموزش و پرورش و مسائل تربیتی، یتیمی و تنهایی و... از جمله مضامین داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی است.

۳- شخصیت‌ها از بین طبقات متوسط و فرودست جامعه هستند.

روش تحقیق

پژوهش در این رساله به صورت کتابخانه‌ای و از روش توصیفی-تحلیلی به منظور چگونگی ارتباط مکتب واقع‌گرایی با داستان‌های مورد نظر استفاده شده است. شیوه‌ی نگارش مطابق رسم‌الخط مصوب فرهنگستان ادب فارسی است و در ارجاع دهی نیز از کتاب آئین نگارش مقاله علمی- پژوهشی دکتر محمود فتوحی پیروی شده است. ارجاع به کتاب‌ها و آثار مختلف در این پژوهش به صورت درون‌متنی «(نام اثر: سال نشر، شماره‌ی صفحه)» انجام گرفته است. در این رساله برای بررسی بهتر ابتدا مکتب ادبی واقع‌گرا(رنالیسم) به صورت کلی و اجمالی معرفی خواهد شد، سپس شرحی اجمالی و گذرا از نویسنده‌ی مورد نظر در این تحقیق(هوشنگ مرادی کرمانی) ارائه می‌شود و بعد از آن ارتباط این مکتب با ادبیات کودک و نوجوان در خلال فصلی مستقل، با عنوان «واقع‌گرایی در ادبیات کودک و نوجوان» مورد شرح و تفصیل قرار خواهد گرفت. در فصل پایانی این پژوهش مکتب واقع‌گرایی در ارتباط با داستان‌های مورد نظر از مرادی کرمانی مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت. این بخش که اصلی‌ترین بخش پژوهش محسوب می‌شود، خود به

قسمت‌های مختلفی تقسیم می‌شود؛ «واقع‌گرایی به رنگ رمانتیک»، «درون‌مایه‌های واقع‌گرا» و «واقع‌گرایی از منظر توصیف» که در بخش واقع‌گرایی از منظر توصیف کتاب *داستان کوتاه در ایران*، نوشته‌ی «حسین پاینده» الگوی کار بوده است. چگونگی بازتاب عناصر واقع‌گرا در داستان‌های این نویسنده با استفاده از شیوه‌های گوناگون مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. در پایان نیز یک نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد که منطبق با سؤال‌ها و فرضیه‌های این پژوهش و نتایج به دست آمده باشد و بتواند به آن‌ها پاسخ دهد.

* در داستان‌های هوشنگ مرادی واژه‌هایی به کار برده شده است که مربوط به فرهنگ و لهجی محلی است. بعضی از آن‌ها چون؛ «خجیجه» (خدیجه)، «ماش شیطونو»، «نمکو»، «رضو» (رضا)، «موشو»، «هوشو» (هوشنگ) و... اسامی شخصیت‌های داستان هستند.

* سال‌های ذکر شده بر حسب هجری شمسی است و در بخش‌هایی که از سال میلادی استفاده شده، معادل شمسی آن نیز ذکر شده است.

در پایان دست تک‌تک استادان مهربانم را که در دوران تحصیل مرا بهره‌مند ساخته‌اند و در مسیر علم‌آموزی یاری‌ام کرده‌اند، می‌بوسم و از درگاه الهی طول عمر و سلامتی ایشان را خواستارم. در این میان از دلسوزی و کمک‌های بی‌دریغ استاد عزیزم، دکتر محمد حسینی که قبول زحمت نمودند و راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده گرفتند، تشکر می‌کنم. از استاد گرامی، دکتر اکبر شامیان ساروکلاهی که با مشاوره‌های راهبردی خود، در هر چه دقیق‌تر نوشته شدن پایان‌نامه اینجانب را یاری کرده‌اند، سپاسگزارم. از اساتید ارجمندم جناب دکتر سید مهدی رحیمی و جناب دکتر ابراهیم محمدی نیز که این پژوهش را داوری نموده‌اند، قدردانی می‌نمایم.

«و من الله توفیق»

فصل اول: کلیات و تعاریف

«قبل از رئالیسم، مکتبی با عنوان رمانتیسم فعالیت می‌کرد، این مکتب همان راهی را می‌رفت که در آینده رئالیسم می‌بایست با ثبات و استحکام در آن قدم نهد، یعنی به جهت تشریح دنیای مجردی که اشکال و رنگ‌هایش در پشت پرده‌ای از قواعد محدود و عرف ادبی در هم ریخته باشد، دنیایی را تصویر می‌کرد که دارای اشکال و رنگ‌های واقعی بود و از گذشته‌ی تاریخی یا دوره‌ی معاصر الهام می‌گرفت» (سیدحسینی، ۱۳۷۶: ۲۶۹).

در واقع شروع این مکتب از اروپا بود ولی قبل از اینکه به صورت یک روش رایج ادبی-هنری درآید، روش کلاسیسیسم و بعد از آن روش رمانتیسیسم از نظر تاریخی روش‌های رایج هنری بودند. این روش‌ها گرچه با قصه‌های فرهنگ عامه فاصله‌ی زیادی گرفتند ولی در همان حال هر کدام به طریقی و از جهتی با قصه‌های عامیانه وجوه مشترکی نیز داشتند. واقع‌گرایی با فاصله گرفتن از این وجوه بود که هویت خاص خود را کسب کرد. به سخن دیگر رئالیسم در تقابل با کلاسیسیسم و رمانتیسیسم است که به درستی معنا پیدا می‌کند.

واقع‌گرایی یا همان رئالیسم در واقع به مکتب و شیوه‌ای ادبی اطلاق می‌شود که در آن هنرمند می‌کوشد حقایق و واقعیات زندگی را به صورتی ساده و عینی برای خواننده به تصویر بکشد. این مکتب که در واقع واکنشی بود در برابر رمانتیسم، تلاش می‌کند جهان را آن‌گونه که هست توصیف کند نه آن‌طور که باید باشد. قهرمان این داستان‌ها از بین مردم عادی انتخاب می‌شوند تا نویسندگان بتوانند به راحتی مشکلات و معضلات جامعه را بازگو کنند.

هر چند که پرداختن به واقعیت و واقع‌گرایی از آغاز رمان‌نویسی در ادبیات فرانسه همواره مطرح شده، اما اطلاق آن به یک مکتب ادبی خاص از قرن نوزدهم میلادی آغاز شده است. همچنین پیدایش آن تابع شرایط خاصی بوده که از سال‌های پس از عصر باروک در زمینه تحول رمان‌نویسی در عرصه‌ی ادبی فرانسه صورت گرفته است. «رئالیسم به عنوان شیوه‌ای خلاق، پدیده‌ای تاریخی است که در مرحله‌ی معین از تکامل فکری بشر به وجود آمد، یعنی زمانی که انسان‌ها به شناخت ماهیت و جهت تکامل اجتماعی نیاز مبرمی داشتند و آن هنگام بود که مردم سرچشمه‌ی اعمال و

افکار انسان‌ها را علت‌های مادی می‌دانستند و معتقد بودند باید عملکرد نظام روابط اجتماعی، مشخص و معین گردد» (رافائل، ۱۳۵۷: ص ۱۲).

بسیاری برای تعریف واقعیت آن را در برابر ذهنیت قرار می‌دهند و از توضیح و تقابل این دو، هر یک را تعریف می‌کنند. به این طریق که اساس ذهنیت بر خیال، وهم و رؤیاست و آنچه جز این باشد واقعیت محسوب می‌شود. چنین استنباط می‌شود که واقعیت آن است که در تضاد با خیال و وهم باشد. منشأ خیال و وهم ذهن است و منشأ واقعیت عین است.

چنان که در مقدمه اشاره شد این تحقیق سعی دارد واقع‌گرایی را در داستان‌های کودکان و نوجوان و آن هم داستان‌هایی از هوشنگ مرادی کرمانی مورد بررسی قرار دهد. برای رسیدن به این هدف ابتدا به ذکر تعاریفی از این مکتب پرداخته خواهد شد که در مبحث اصلی که تحلیل داستان‌ها با توجه به این مکتب است، مسیر پژوهش روشن‌تر باشد.

۱-۱. ویژگی‌های مکتب واقع‌گرایی

درکل مکتب واقع‌گرایی دارای ویژگی‌هایی است که مخصوص این مکتب است و هر اثر واقع‌گرایی این ویژگی‌ها را شامل می‌شود. این ویژگی‌ها از این قرارند:

۱-۱-۱. خلق شخصیت‌های عینی و واقعی: در داستان‌های واقع‌گرا خلق و به‌کارگیری

شخصیت‌های حقیقی و عینی از ویژگی‌های مهم و اصلی به حساب می‌آید. شخصیت‌هایی که نویسنده‌ی واقع‌گرا می‌آفریند در جامعه‌ی اطراف او زندگی می‌کنند و اغلب نویسنده از نزدیک این شخصیت‌ها را درک کرده است. بنابراین، این افراد غیرواقعی و غیر ملموس نیستند.

۱-۱-۲. توصیف دقیق و جزء به جزء: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های داستان‌های واقع‌گرا

توصیف دقیق و جزء به جزء واقعیت است. نویسنده‌ی واقع‌گرا می‌کوشد با توصیف دقیقی که ارائه می‌دهد، مطلب خود را برای خواننده عینی و باورپذیر کند.

۱-۱-۳. سادگی و شفافیت نثر و زبان؛ از ویژگی‌های مهم دیگر داستان‌های واقع‌گرا داشتن

نثر و زبان ساده و روان است. نویسنده‌ی واقع‌گرا از آن‌جا که به بیان حقایق اجتماعی و واقعیات و مشکلات جامعه می‌پردازد، پس طبیعتاً باید زبانی روان و همه‌فهم را برای انتقال معانی مورد نظر

خود برگزینند. حال اگر مخاطب اصلی کودک و نوجوان باشد به همان اندازه زبان و نثر باید ساده‌تر شود که خواننده در درک وقایع دچار ابهام نشود.

۴-۱-۱. **باورپذیری:** یکی دیگر از خصوصیات بارز و اصلی داستان‌های واقع‌گرا، ویژگی

باورپذیری این داستان‌ها است. این اصل یعنی حوادث و رویدادهای اتفاق افتاده در داستان به گونه‌ای شرح داده می‌شوند که برای خواننده باورپذیر و متقاعدکننده هستند.

۵-۱-۱. **حقیقت‌مانندی:** این ویژگی در داستان‌های واقع‌گرا به گونه‌ایست که خواننده به

واسطه‌ی این ویژگی می‌تواند رویدادها و حوادث اتفاق افتاده در داستان‌ها را در ذهن تجسم کند و آن را محتمل بداند. این خصوصیت در تمامی داستان‌های واقع‌گرا دیده می‌شود.

۶-۱-۱. **توجه به حقایق بدون پروا:** دقت نظر بر روی تجربه‌های فردی و اجتماعی افراد یک

جامعه و بررسی و لمس حقایق اجتماعی از دیگر ویژگی‌های آثار واقع‌گرا است. به طور کلی بیان واقعیات و حقایق بدون هیچ‌گونه پرده‌پوشی، مبالغه و یا شرم.

«از ویژگی‌های مکتب واقع‌گرا این است که این مکتب، مکتبی است عینی و غیر شخصی،

نویسنده افکار و احساسات خود را آشکارا در اثر خود دخالت نمی‌دهد، او سعی می‌کند تا آن جا که ممکن است نسبت به وقایع و شخصیت‌های داستان بی طرف بماند» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۲۸۶).

خواننده با برداشتی که از طریق خواندن داستان دارد، در تشخیص این‌که داستان چه میزان با معیارهای این مکتب انطباق دارد، به موفقیت نویسنده در این زمینه کمک می‌کند. در واقع نویسنده‌ی واقع‌گرا بعد از نوشتن داوری را بر عهده‌ی مخاطب گذاشته و بعد از آن میزان موفقیت خود را ارزیابی می‌کند.

نکته‌ی دیگری که باید به آن توجه کرد این است که درون‌مایه‌ی داستان‌ها صرفاً حوادث و

رویدادهای استثنایی نیست، بلکه معمولاً به پیش پا افتاده‌ترین مسائل زندگی انسان‌ها به خصوص مردم طبقه متوسط و محروم جامعه می‌پردازد. «یکی دیگر از ویژگی‌های این مکتب، دور شدن از واقعیت‌های قراردادی و پیش پا افتاده است. در نظر نویسنده واقع‌گرا، واقعیت راکد و تغییر ناپذیر نیست، بلکه زنده و پویاست» (قزل‌ایاغ، ۱۳۸۶: ۱۷۵).

واقع‌گرایی با این هدف پا به عرصه‌ی ادبیات گذاشت که در صدد بود مسائل یا بهتر گفته شود مشکلات و معضلات افراد جوامع مختلف را با شیوه‌های گوناگون (نقاشی، تئاتر، داستان، رمان، سینما و فیلم و ...) به تصویر بکشد و با تحریک احساسات و عواطف انسانی، راه‌های گشایشی برای برطرف کردن آن‌ها بیابد. اگر بخواهیم نموداری برای آثار واقع‌گرا (رنالیستی) ترسیم کنیم، چنین می‌شود:

اثر واقع‌گرا(رنالیستی): جهان واقعی - جهان واقعی هنرمند یا نویسنده - جهان واقعی اثر - جهان واقعی خواننده.

منطقی‌تر آنست که گفته شود نویسنده یا هنرمند، جهان واقعی ذهن خود را بازگو می‌کنند. جهان واقعی ذهن او با دیگر جهان‌ها متفاوت است و شاید هم تفاوتی نداشته باشد. اما به روایتی دیگر، او جهان واقعی ذهن خود را بازنمایی می‌کند. این بازنمایی به خواننده کمک می‌کند علاوه بر اینکه با افکار نویسنده آشنا شود واقعیت‌های اجتماعی را نیز بشناسد. حال اگر خواننده با آن جهان ارتباط برقرار کند، با هم همسو شده‌اند و اگر چنین اتفاقی پیش نیامد، شاید ناشی از تفاوت جهان واقعی آن‌هاست و شاید نویسنده نتوانسته است آن جهان واقع مشترک را خوب و هنرمندانه بازنمایی کند. طبیعی است که هر واقعیتی می‌بایست از هزارتوی ذهن نویسنده بگذرد، سپس با فعل و انفعالاتی که در ضمیر او پشت سر می‌گذرد تبدیل به معنایی هنری - ادبی گردد و سپس با کارابزارهایی که به آن‌ها «عناصر داستان» می‌گوییم، تبدیل به داستان شود.

۱-۲. انواع واقع‌گرایی

واقع‌گرایی انواعی دارد و هر اثر هنری از قبیل نقاشی، رمان، داستان‌های بلند و کوتاه و...، به نوعی از انواع آن توجه بیشتر دارد. واقع‌گرایی سوسیالیستی(اجتماعی)، واقع‌گرایی انتقادی، واقع‌گرایی ساختاری، واقع‌گرایی علمی، واقع‌گرایی معنوی، واقع‌گرایی اخلاقی، واقع‌گرایی صوری و واقع‌گرایی جادویی از انواع مختلف واقع‌گرایی است که در هر اثری گونه‌ای از آن بازتاب بیشتری دارد. برای بررسی بهتر اثر ابتدا باید با تعریف هر کدام از انواع واقع‌گرایی آشنا شد. برای نیل به این هدف ابتدا تعریف کلی و اجمالی از هر کدام داده خواهد شد:

۱-۲-۱. واقع‌گرایی سوسیالیستی (اجتماعی)

واقع‌گرایی سوسیالیستی (جامعه‌گرایانه) سبکی هنری که در دوره‌ی حکومت شوروی در روسیه و سپس در دیگر کشورهای کمونیستی پدید آمد. بسیاری‌ها پانگیری واقع‌گرایی سوسیالیستی را با جریان شکل‌گیری انقلاب‌های کارگری و ایجاد حکومت‌های سوسیالیستی هم‌زمان می‌دانند. «واقع‌گرایی سوسیالیستی ریشه‌های خود را در رئالیسم جستجو می‌کند و با اصالت دادن به روایت واقعیت، مرکزیت توجه خود را به زندگی مردمان فرودست، بیان مشکلات طبقاتی و بعضاً روند مبارزات و انقلاب‌ها معطوف می‌کند. همچنین بسیاری معتقدند بنیان این مکتب تأکید بر کار است» (ساجکوف، ۱۳۶۲: ۳۵).

بسیاری از داستان‌های داستایوفسکی (Dostoyevsky)، بالزاک (Balzac)، لئو تولستوی (Leo Tolstoy) و ... در خارج از ایران و بسیاری از داستان‌های محمود دولت‌آبادی، احمد محمود، سیمین دانشور، جمال‌زاده، جلال آل‌احمد و ... در داخل ایران به دلیل به تصویر کشیدن هنجارهای اجتماعی و مشکلات و مصائب طبقه‌ی تحتانی جامعه در حیطه‌ی واقع‌گرایی اجتماعی قرار می‌گیرند. مهم‌ترین و پرکاربردترین نوع واقع‌گرایی همین نوع است. بسیاری از داستان‌های معاصر به دلیل اینکه ارتباطی مستقیم با زندگی افراد جامعه دارند و منعکس‌کننده‌ی مشکلات اجتماع و مردمی که در آن زندگی می‌کنند، می‌باشند، در این نوع از واقع‌گرایی جا می‌گیرند.

۱-۲-۲. واقع‌گرایی انتقادی

واقع‌گرایی انتقادی نهضتی در فلسفه و علوم انسانی است که با آثار «روی بسکار» (Roy Bhaskar) شروع شده است. واقع‌گرایی انتقادی مدعی است که قوانین عالی اشیاء را که در ساختارهایشان نهفته است بیان می‌کنند، نه پیوندهای ثابت و پایدارشان را که در خارج از آزمایش‌ها کمیاب‌اند. از دیدگاه‌های دیگر واقع‌گرایی انتقادی این است که طرفداران آن معتقدند که بیشتر آنچه که هست، وجود دارد تا آنچه که شناخته می‌شود و شناخته خواهد شد. بیشتر جامعه وجود دارد تا افرادی که آن را تشکیل می‌دهند. واقع‌گرایی انتقادی این دیدگاه رایج را رد می‌کند که تبیین همواره خنثی و بی‌طرف است. تبیین کردن ممکن است نقد کردن باشد. «در این نوع از رئالیسم، معمولاً قهرمانان داستان از محیط خویش جلوترند و برای رسیدن به اجتماعی تازه تلاش

می‌کنند. بنیانگذار این مکتب ماکسیم گورکی نویسنده‌ی نامدار روس و صاحب کتاب مشهور "مادر" است» (تراویک، ۱۳۷۳: ۲۰۵).

براساس این نظر بسیاری از نظریه‌پردازان و روشنفکرانی که در خارج از ایران مقیم بودند، از جمله میرزا ملکم‌خان، طالبوف، آخوندزاده، سیدجمال‌الدین اسدآبادی، زین العابدین مراغه‌ای و بسیاری دیگر چون روحی کرمانی، میرزاآقاخان کرمانی و میرزا حبیب اصفهانی به عنوان نخستین نویسندگان ادبیات واقع‌گرای انتقادی یا همان رئالیسم انتقادی به حساب آورده می‌شوند.

۱-۲-۳. واقع‌گرایی ساختاری

«به طور کلی رئالیسم ساختاری را می‌توان دیدگاهی تلقی کرد که بر اهمیت روابط بین اشیاء و عناصر (یا هویت) تأکید دارد، هواداران این دیدگاه معتقدند که شناخت ساختار پدیدارها در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد، به طوری که فهم این پدیده‌ها از رهگذر شناخت این ساختارها حاصل می‌شود» (منصوری، ۱۳۸۵: ۸۹-۱۱۷)

یکی از کسانی که پیرو این شیوه‌ی ادبی است، راسل می‌باشد. در واقع وی می‌خواست بین تجربه‌گرایی صلب و واقع‌گرایی، نوعی مصالحه برقرار کند که بعدها با نام واقع‌گرایی ساختاری مطرح گردید.

۱-۲-۴. واقع‌گرایی علمی

واقع‌گرایی یا رئالیسم علمی، یکی از مباحث اساسی فلسفه علم است. شاید مهم‌ترین سؤال فلسفی در مورد علم آن باشد که آیا عناصر آن واقعی هستند یا نه؟
واقع‌گرایی علمی وجود جهان خارج را می‌پذیرد و آن را قابل فرمول‌بندی و پیش‌بینی‌پذیر می‌داند. یعنی طبق این دیدگاه می‌توان قوانین طبیعت را آن‌گونه که هستند کشف کرد و به فرمول‌بندی آن پرداخت. این یک نوع دیدگاه معرفت‌شناختی است. در واقع‌گرایی روابط علی و وجود دارند و قوانین طبیعت به حوادثی مربوط می‌شوند که از رابطه علی بین اشیاء ناشی می‌شوند.

۱-۲-۵. واقع‌گرایی معنوی

واقع‌گرایی معنوی می‌تواند اصطلاحی عام باشد که نگاه‌های واقع‌گرای باورمند از شعور ایمان بشری را در خود جای می‌دهد و این معنویت نه تخیل است و نه توهم؛ نه در گستره‌ی جادو و

اشباح است و در مقوله‌ی رؤیا و افسانه؛ واقعیتی است که مشخصاً با بسیاری از اصول و بنیان‌های تبیین شده‌ی رئالیستی قرابت دارد و چه بسا مایه‌ی تعالی، پویایی و توسع آن نیز می‌گردد.

«واقع‌گرایی معنوی می‌کوشد تا از منظری متفاوت به حقیقت‌ها و واقعیت‌های زندگی انسانی پردازد و در این راستا، شخصیت‌های اثر واقع‌گرای معنوی هر چند دارای حقیقت جزئی هستند اما در عرصه‌ی رمان یا داستان کوتاه- به رسم واقعیت زندگی- به عنوان موجودات منفرد و قایم بالذات مورد مطالعه قرار نمی‌گیرند، بلکه به مثابه‌ی حلقه‌هایی از یک زنجیره‌ی بی‌پایان عمل و عکس‌العمل رفتار بررسی می‌شوند» (پرهام، ۱۳۶۳: ۳۳). هر یک از این حلقه‌ها در گستره‌ی واقعیت باورمدار خود دارای دریافت‌های معنوی و اشراقی نیز هستند.

بنابراین در واقع‌گرایی معنوی، با بهره از نوعی اشراق و شهود واقعیت (حقیقت) در همه‌ی موجودات ساری و جاری است که البته این دریافت و تلقی با سمبولیسم نیز متفاوت است؛ زیرا در نگاه واقع‌گرایی معنوی دنیا و مظاهر طبیعت نماد نیست بلکه نمود است.

۶-۲-۱. واقع‌گرایی اخلاقی

واقع‌گرایی اخلاقی مدعی است که حقایق اخلاقی و به تبع آن، اوصافی نظیر خوب، بد، درست، نادرست، فضیلت و رذیلت که به حقایق یا اوصاف غیر اخلاقی تحویل پذیر نیست، در عالم وجود دارد. بر اساس این نظریه، این حقایق و اوصاف از آگاهی ما از حالتی که در آن حالت می‌اندیشیم و صحبت می‌کنیم، از باورها و گرایش‌های ما و از احساسات و امیال ما مستقل‌اند. اوصاف اخلاقی نمی‌توانند از طریق اشخاص، اعمال، نهادها و مانند این‌ها تحقق یابند، تمثل و تحقق این اوصاف، حقایق اخلاقی هستند که تطابق با آن‌ها سبب صدق احکام اخلاقی می‌شود.

۷-۲-۱. واقع‌گرایی صوری

از انواع دیگر واقع‌گرایی، واقع‌گرایی صوری است. شیوه‌ای که داستان به وسیله‌ی آن به همه‌ی جنبه‌های زندگی تجسم می‌بخشد. در توضیح بیشتر این شیوه باید گفت: «این نوع رئالیسم صوری است زیرا اصطلاح رئالیسم در اینجا به هیچ نظریه‌ی غایت ادبی خاص اشاره ندارد. این نوع ادبی صرفاً یک عرف است و بر این باور است که گزارشی از طریق رئالیسم صوری درباره‌ی زندگی

انسان داده می‌شود، واقعی‌تر از گزارشی باید باشد که از طریق شیوه‌های معمول گزارش در انواع ادبی دیگر ارائه می‌شود» (وات، ۱۳۸۶: ۴۸).

اگرچه پیشگامان این نوع واقع‌گرایی معتقدند در این باور نباید فراموش کرد که بازنویسی دقیق واقعیت، لزوماً اثری به وجود نمی‌آورد که واقعاً واجد حقیقت باشد اما این شیوه‌ی نگاه به واقع‌گرایی رفته‌رفته موجب شده که بی‌رغبتی نسبتاً گسترده‌ای درباره‌ی مکتب واقع‌گرایی و آثار واقع‌گرا رایج شود.

۸-۲-۱ واقع‌گرایی جادویی

کلمه رئالیسم جادویی از دید فرانتس رو توصیف‌کننده پست اکسپرسیونیسم در هنر نقاشی آلمان قدیم بود که با گذشت زمان، معنای تعبیر رئالیسم جادویی گسترش یافت و به حوزه ادبیات نیز رسید. در این حوزه این تعبیر برای نامیدن آثاری به کار گرفته شد که خصوصیات ساختاری آنها تلفیقی از رئالیسم قرن نوزدهم و سوررئالیسم قرن بیستم بود؛ مانند آثار بورخس و آلخو کارپنتیر. آنچه در اولین مواجهه با کلمه رئالیسم جادویی برای شنونده یا خواننده سؤال‌انگیز است، اصل کلمه است؛ زیرا عبارت مذکور- واقع‌گرایی جادویی- تناقضی را در خود دارد، تضاد بین واقعیت و فراواقعیت، آنچه قابل توجیه است و نیست. در واقع رئالیسم جادویی از واقعیت صحبت می‌کند، اما واقعیتی تحت تصرف خیال، چیزی که حتی تصورش نیز به راحتی در ذهن نمی‌گنجد. «واقع‌گرایی جادویی در قصه و داستان بدین معناست که همه عناصر داستان طبیعی است و تنها یک عنصر جادویی و غیر طبیعی در بافت قصه وجود دارد» (فرزاد، ۱۳۸۱: ۲۴۰).

از نمونه‌های فارسی داستان‌های واقع‌گرایی جادویی می‌توان به «عزاداران بیل» نوشته غلامحسین ساعدی؛ «روزگار دوزخی»، «آقای ایاز»، «آواز کشتگان» و «رازهای سرزمین من» آثار رضا براهنی؛ «اهل غرق» نوشته منیرو روانی‌پور؛ و «روزگار سپری شده و مردم سالخورده» نوشته محمود دولت‌آبادی اشاره کرد.

با ارائه‌ی تعریفی اجمالی از انواع واقع‌گرایی آن چیزی که مسلم است، این است که تمام انواع ذکر شده در یک جنبه با هم مشترک هستند و آن هم پرداختن به حقایق و واقعیات است. واقعیاتی که در زندگی روزمره رخ می‌دهند. این نوع پرداختن به واقعیات با آن چیزی که انسان‌های معمولی